



جامعه‌شناسی زمان فارسی

عسگر عسگری حسنگلو



موسسه انتشارات نگاه

جامعه‌شناسی رمان فارسی

عسگری حسنکلو، عسگر
جامعه‌شناسی رمان فارسی / عسگر عسگری حسنکلو.

[ویراست ۲]

تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۴.

۳۶۰ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

ISBN: 978-600-376-002-8

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

ویراست قبلی کتاب حاضر تحت عنوان «نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی: با تأکید بر ده رمان

برگزیده» توسط نشر و پژوهش فرزانه روز در سال ۱۳۸۹ منتشر شده است.

۱. کتابنامه: ص. ۳۴۵-۳۶۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۲. نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی: با تأکید بر ده رمان برگزیده.

۳. داستان‌های فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد.

۴. داستان‌های فارسی - قرن ۱۴ - کتاب‌های نقد شده.

۵. داستان - جنبه‌های تاریخ.

۶. داستان‌نویسی - تاریخ.

۱۳۹۳ ۷ن ۴۸۶۹/۶۵ PIR ۳۸۶۹/۶۲۰۹ ۸۱۶۳/۶۲۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۵۶۳۴۰

جامعه‌شناسی رمان فارسی

عسگر عسگری حسنکلو
عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۹۴

جامعه‌شناسی رمان فارسی

عسگر عسگری حسنکلو

چاپ اول: ۱۳۹۴، لیتوگرافی: اطلس چاپ
چاپ و صحافی: ارشک، شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۷۶-۰۰۲-۸
حق چاپ محفوظ است.

* * *

مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: انقلاب، خ. شهدای ژاندارمری، بین خ. فخر رازی و خ. دانشگاه، پ. ۶۳، طبقه ۵
تلفن: ۱۲-۱۱-۶۶۹۷۵۷۱۱، ۸-۳۷۷-۶۶۴۸۰۳۷۷، ۶۶۴۶۶۹۴۰، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

www.negahpub.com info@negahpub.com

Email: negahpublisher@yahoo.com

بیا که وضعِ جهان را چنانکه من دیدم
گر امتحان بکنی می خوری و غم نخوری



فهرست مطالب

۹.....	اشاره.....
۱۳.....	فصل اول: تأملی در ادبیات داستانی ایران.....
۱۶.....	پیشینه ادبیات داستانی در ایران.....
۱۷.....	ادبیات داستانی پیش از اسلام.....
۱۹.....	داستان در ادبیات کلاسیک فارسی.....
۲۷.....	چگونگی شکل‌گیری رمان فارسی.....
۲۸.....	تحولات اجتماعی-سیاسی عصر قاجار.....
۲۹.....	آشنایی ایرانیان با تمدن و فرهنگ غربی.....
۳۳.....	نقش ترجمه در شکل‌گیری رمان فارسی.....
۳۷.....	طبیعه رمان‌نویسی و تکوین نثر داستانی.....
۴۵.....	رمان و انواع آن در ایران.....
۴۵.....	تاریخچه، تعاریف و انواع رمان.....
۵۵.....	رمان فارسی و انواع آن.....
۶۳.....	رمان اجتماعی.....
۷۳.....	فصل دوم: جامعه‌شناسی ادبیات.....
۷۵.....	رابطه جامعه و ادبیات.....
۸۲.....	جامعه‌شناسی ادبیات یا جامعه‌شناسی در ادبیات.....
۸۳.....	جامعه‌شناسی ادبیات.....
۹۳.....	جامعه‌شناسی در ادبیات.....

۱۰۱	فصل سوم: جامعه‌شناسی رمان
۱۰۳	نظریه‌های نقد جامعه‌شناختی رمان
۱۳۱	رابطه فرد و جامعه در رمان
۱۳۷	فصل چهارم: جامعه‌شناسی ادبیات در ایران
۱۳۹	پیشینه نقد جامعه‌شناختی ادبیات در ایران
۱۵۰	علل انتخاب رمانهای برگزیده برای نقد جامعه‌شناختی
۱۵۷	فصل پنجم: نقد رمان‌های برگزیده
۱۵۹	چشم‌هایش
۱۷۵	مدیر مدرسه
۱۸۹	شوهر آهوخانم
۲۰۴	تنگسیر
۲۱۸	سووشون
۲۳۶	جای خالی سلوچ
۲۵۰	باغ بلور
۲۶۵	رازهای سرزمین من
۲۸۴	سمفونی مردگان
۲۹۸	نیمه غایب
۳۱۱	فصل ششم: نتیجه‌گیری
۳۱۳	مروری بر درون‌نمایه‌ها و مشخصات جامعه‌شناختی رمانهای برگزیده
۳۲۰	تکمله‌ای در باب «اجتماعیات» در رمانهای برگزیده
۳۳۰	نتیجه‌گیری
۳۳۷	منابع و مآخذ

اشاره

اگر با اندکی آسان‌گیری بر پاره‌ای از رمانواره‌های آغازین فارسی، عنوان رمان اطلاق کنیم، می‌توان برای رمان فارسی عمری صدساله تصوّر کرد. این قالب ادبی که نویسندگان ایرانی در پی تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوره‌ی مشروطه و از طریق ترجمه‌ی رمانهای تاریخی اروپایی با آن آشنا شدند، تاکنون از نظرگاههای گوناگون بررسی شده است؛ اما رویکرد نقد جامعه‌شناختی چندان مورد توجه محققان نبوده است. جامعه‌شناسی رمان فارسی با توجه به گسترش روزافزون علاقه به رمان‌نویسی و رمان‌خوانی در بین ایرانیان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر این، رمان فارسی با توجه به جنبه‌های واقع‌گرایانه و اجتماعی آن و نیز از این حیث که با تاریخ معاصر پیوند تنگاتنگی دارد، بهتر از شعر معاصر به پرسشهای جامعه‌شناختی پاسخ می‌دهد. گسترش و گوناگونی رمان از نظر فرم و محتوا در سالهای اخیر در جامعه‌ی ایرانی به حدّی بوده است که می‌توان از عصر رمان در ایران سخن گفت. تحولات اخیر اجتماعی از جمله افزایش قابل توجه تحصیل‌کردگان دانشگاهی و نیز ورود زنان به عرصه‌ی داستان‌نویسی باعث تنوع رمان‌نویسی و رمان‌خوانی شده است. امروزه به نظر می‌رسد رمان فارسی در انعکاس واقعیت اجتماعی و جذب خوانندگان، از شعر معاصر پیش افتاده است. به هر روی در جهانی که از سالها پیش عده‌ای از مرگ رمان سخن گفته‌اند، رمان فارسی گویی به عصر شکوفایی خویش رسیده است. با این حال به دلایل گوناگون از جمله عدم ارتباط فرهنگی گسترده‌ی نویسندگان ایرانی با نویسندگان کشورهای دیگر، معرفی نشدن رمان ایرانی در سطح دانشگاههای

جهان و ترجمه نشدن آن به زبانهای خارجی، رمان فارسی آن‌چنان که شایسته است جایگاه جهانی خود را به دست نیاورده است؛ این در حالی است که ادبیات کلاسیک فارسی علاقه‌مندان بسیاری در سطح جهان دارد.

در این کتاب که عنوان جامعه‌شناسی رمان فارسی را بر خود دارد، سعی ما بر آن بوده است تا رمان فارسی را از دیدگاهی جامعه‌شناختی تحلیل کنیم. بدین منظور ضمن تأکید بر ده رمان برگزیده برای بررسی در این کتاب، سیر کلی رمان فارسی را از اولین نمونه‌های آن تا به امروز در نظر داشته‌ایم. تحلیل جامعه‌شناختی در درجه اول به توصیف رابطه بین جامعه و اثر ادبی می‌پردازد. در یک سوی این تحلیل واقعیت‌های اجتماعی قرار دارد و در سوی دیگر بازتاب آن در جهان تخیلی و هنری اثر ادبی. بنابراین محقق باید از طرفی به توصیف اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه پردازد و از طرف دیگر به چگونگی انعکاس آن در اثر ادبی. به همین دلیل توجه به تحولات تاریخ معاصر ایران در ضمن مطالعه رمان فارسی و نقد جامعه‌شناختی آن از اهمیت بسیاری برخوردار است.

این کتاب در شش فصل تدوین شده است. در فصل اول از سیر ادبیات داستانی و انواع آن در ایران سخن گفتیم. چگونگی شکل‌گیری رمان فارسی، تاریخچه رمان، انواع رمان فارسی و به خصوص رمان اجتماعی فارسی مباحثی هستند که در این فصل مطرح کردیم. در ضمن بحث از رمان اجتماعی فارسی به تعامل رمان فارسی و جامعه ایرانی نیز پرداختیم و نشان دادیم که جنبه واقع‌گرایانه رمان فارسی در اغلب موارد سبب شده است رمان آینه اجتماع و منعکس‌کننده اوضاع اجتماعی باشد. به نوعی این فصل با توجه به چشم‌انداز نقد جامعه‌شناختی رمان نوشته شده است و مقدمه‌ای برای پرداختن به نقد جامعه‌شناختی رمانهای برگزیده برای بررسی در این کتاب است. فصل دوم به بحث درباره جامعه‌شناسی ادبیات اختصاص دارد. در این بحث به رابطه جامعه و ادبیات و نحوه آن رابطه پرداختیم. از پیشروان این بحث به اندیشه‌های مادام دواستال و ایپولیت تن و بررسی نظریات آنان پرداختیم. همچنین دو گرایش

عمده «جامعه‌شناسی ادبیات» و «جامعه‌شناسی در ادبیات» را از هم متمایز کردیم. اندیشه‌های روبر اسکارپیت را که به گرایش نخست مربوط می‌شود بررسی کردیم و سپس به اندیشه‌های مطرح در گرایش دوم پرداختیم. در فصل سوم، ابتدا از نظریه‌های نقد جامعه‌شناختی رمان سخن گفتیم. جورج لوکاچ، لوسین گلدمن، میخائیل باختین و میشل بوتور از برجسته‌ترین محققانی هستند که نظریات آنها را در باب جامعه‌شناسی رمان مطرح کردیم. همچنین رویکردهای دیگری چون نقد مارکسیستی ادبیات در این بخش بررسی شده‌اند. در فصل چهارم به پیشینه نقد جامعه‌شناختی ادبیات در ایران پرداختیم و نشان دادیم که ادبیات فارسی - چه ادبیات کلاسیک و چه ادبیات معاصر - چندان مورد بررسی جامعه‌شناختی قرار نگرفته است و از این حیث منابع فارسی‌چندانی در مطالعه جامعه‌شناختی ادبیات فارسی نداریم. در پایان این فصل به علل انتخاب ده رمان برگزیده برای بررسی در این کتاب پرداختیم. فصل پنجم به نقد رمانهای برگزیده اختصاص دارد. در این فصل با توجه به آنچه در فصل سوم در باب نقد جامعه‌شناختی رمان گفتیم به بررسی رمانها پرداختیم. هدف این فصل در ابتدا توصیف رابطه جامعه و رمان و سپس تبیین نحوه انعکاس واقعیت اجتماعی در رمان فارسی بوده است. فصل ششم نیز به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

عسگر عسگری حسنگلو

تابستان ۱۳۹۳

asgari1354@yahoo.com



فصل اوّل

تأملی در ادبیات داستانی ایران



درآمد

ادبیات داستانی (Fiction, Narrative Literature) قدمتی به درازنای حضور انسان در عرصه هستی دارد. انسان از همان آغاز، وقایع بیرونی را از دریچه چشم و ذهن خویش می‌دید و هنگام روایت آن رنگی از تخیل بر آن می‌زد. زمانی تخیل او را نگاه رازآلود و مبهم اساطیری بارور می‌ساخت. زمانی دیگر در پرتو عقل و استدلال با جزئی‌نگری و وضوح به محیط زندگی خویش می‌نگریست و البته تفاوت این دو دیدگاه، در روایت او از هستی نیز منجر به آفرینش شکل‌های متفاوت می‌شد. اساطیر و داستان‌های اساطیری محصول تجربه زیستی انسان محصور در دوره خدایان و رب‌النوع‌هاست و حماسه‌های بزرگ و تراژدی‌های جانگداز، شکل روایت انسان آن عصر از رویدادهاست. با ظهور سقراط و دیگر حکمایی که انسان را قادر به تفکر و تعقل در پدیده‌های هستی می‌دانستند، حضور مسلط خدایان اساطیری در ذهن و زبان و جهان‌بینی انسان کمرنگ شد و در نتیجه اسطوره‌های بزرگ و حماسه‌های طولانی جای خود را به روایت فلسفی و بعدها به رمان و داستان کوتاه بخشیدند. اما در تحلیل نهایی ذهن اسطوره‌ساز و حماسه‌پرداز انسان عصر خدایان و ذهن فلسفی و روایت‌نگر انسان عصر عقل و استدلال، هر دو از تخیل بهره‌مند بوده‌اند و این عنصر تخیل - که ارسطو و بعدها دیگر فلاسفه به تبعیت از او، آن را جوهر شعر و نمایش معرفی کردند - روح اصلی حاکم بر روایت انسان از هستی و مقولات عظیم دیگری نظیر خدا، انسان، مرگ، و عشق بود.

با این درآمد، به بررسی ادبیات داستانی در ایران می‌پردازیم تا تصویری کلی از پیشینه داستان در ایران به دست دهیم و هنگام بحث از رمان معاصر سرچشمه‌های جدید را از سنت داستانی کلاسیک فارسی تمیز دهیم.

پیشینه ادبیات داستانی در ایران

به گواهی تاریخ، ایرانیان تمدنی دیرینه و فرهنگی غنی داشته‌اند و این نکته آشکارتر از آن است که به شاهد و مدرکی برای اثبات آن نیاز باشد. «هزاره اول قبل از میلاد هنوز به نیمه خود نرسیده بود که پیروزی طوایف ماد بر دولت آشور (۶۰۷ ق.م)، این اقوام آریایی نورسیده در نواحی غرب فلات ایران را، به عنوان یک قدرت جهانی در صحنه تاریخ عصر مجال خودنمایی داد».^۱ بعد از مادها، سلسله‌های دیگری چون هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان بر این فلات پهناور فرمان راندند و سرانجام در میانه قرن هفتم میلادی با فتح ایران به دست اعراب تازه مسلمان، تاریخ ایران برای همیشه به دو بخش پیش از اسلام و پس از اسلام تقسیم شد و آنچه متعلق به دوران پیش از اسلام بود با گذشت زمان کمرنگ شد و یاد باشکوه آن در بنای تخت جمشید و چند بنای دیگر و کتیبه‌های پادشاهان، برای ایرانیان به یادگار ماند. از نظر فرهنگی دستاورد ایران پیش از اسلام، برای جهان پراهمیت‌تر است؛ «ایران باستانی به دنیا درس تسامح آموخت، درس عدالت و درس قانون و انضباط یاد داد... در کار جهاننداری نظارت در تأمین امنیت و آسایش اقوام تحت فرمان را بر فرمانروایان الزام کرد».^۲ همین ویژگی‌های مدنی، سیاسی و اجتماعی بود که بعدها در دوران اسلامی و حکومت خلفای مسلمان، به فرهنگ اسلامی راه یافت و ایرانیان بر خلاف اقوام مسلمان‌شده دیگر با حفظ ویژگی‌های قومی، فرهنگ و تمدن ایرانی -

۱ - عبدالحسین زرین کوب، روزگاران تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، چ سوم، تهران، سخن، ۱۳۸۰، ص ۴۵.

۲ - همان، ۲۷۹-۲۸۰.

اسلامی را پی‌ریزی کردند و به تدریج طلایه‌دار فرهنگ مسلط بر جهان شدند تا اینکه فتنه تاتار و مغول در رسید و جنگها و آشوبهای دیگر روند رشد و توسعه ایران را متوقف ساخت. از این یادآوری تاریخی برای ورود به بحث چاره‌ای نبود؛ اما آنچه به بحث ما مربوط می‌شود بررسی پیشینه ادبیات داستانی است و سابقه آن در ایران.

ادبیات داستانی پیش از اسلام

یکی از مشکلات اساسی درباره مسائل فرهنگی و ادبی در ایران پیش از اسلام فقدان یا نابودی منابع مربوط به آن دوران است و جز نوشته‌های تاریخ‌نویسان یونانی و مسلمان و کتیبه‌های بازمانده از آن دوران، چیزی برای بررسی در این مورد در دست نیست. این مسأله در زمینه ادبیات داستانی برای محقق بغرنج‌تر است؛ زیرا سنت شفاهی روایت داستان، با توجه به تغییرات فرهنگی، مذهبی، و سیاسی مقارن ورود اسلام به ایران تقریباً از بین رفته است و محقق در جست‌وجوی سرچشمه‌های داستان کلاسیک فارسی به ناچار به حدس و گمان متوسل می‌شود.

کتاب مقدس ایرانیان قدیم یعنی *اوستا* را باید نقطه شروع قرار دهیم. در این کتاب داستانهایی درباره شخصیت‌های اساطیری و پهلوانی ایرانیان چون کیومرث، هوشنگ، جمشید، افراسیاب، کیخسرو و دیگران آمده است که البته بن‌مایه‌هایی مذهبی دارند. «بندهشن» (آفرینش آغازین) داستان آفرینش مخلوقات به دست اهورامزدا و سربچی اهریمن و وصف آفریدگان است. از کتابهای معروف و معتبر پهلوی *کارنامه اردشیر بابکان* در سرگذشت افسانه‌آمیز اردشیر ساسانی و *یادگار زریران* در شرح جنگ دینی میان گشتاسب و ارجاسب قابل ذکر است.^۱ بخشهایی از *اوستا* بخصوص «یشت‌ها» منبعی برای جست‌وجو در افسانه‌ها و اساطیر باستانی ایران است. از دیگر منابع *خدای نامگ* است که از مطالب تاریخی و حماسی تشکیل شده است و نسخه کاملی از آن هم‌اکنون در دست نیست ولی «بازتاب مطالب این اثر در آثار ادبی و تاریخی دوره اسلامی، امکان بازسازی نسبتاً دقیق نسخه ساسانی این

۱ - احمد تمیم‌داری، *داستانهای ایرانی*، چ اول، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۷، ص ۴۵.

حماسه را فراهم می‌کند.^۱ علاوه بر اینها نوعی دیگر از داستانها، داستانهای عاشقانه بوده است که بعدها بعضی از آنها در دوران اسلامی به فارسی دری و به نظم درآمدند. از جمله آنها ویس و رامین است که گویا منشأ پارتی دارد و فخرالدین اسعد گرگانی آن را به نظم درآورده است. مشترکات نژادی و فرهنگی میان ایران و هند باعث مبادله فرهنگی این دو قوم شده است. در زمان انوشیروان این مبادله فرهنگی جدی‌تر بوده است در حدی که برزویه طیب نسخه‌ای از کتاب معروف هندیان یعنی پنجه تتره (Panchatantra) را به فارسی پهلوی برمی‌گرداند و این کتاب به ایران و از ایران و زبان فارسی پهلوی به ادبیات عرب راه می‌یابد با نام کللیه و دمنه و با ترجمه عربی ابن مقفع. «داستان‌نویسی در ادب دوران ساسانی رونق داشته است؛ نمونه‌های آن کارنامه‌ی اردشیر بابکان و ارداویرافنامه است. این داستان‌ها دارای مایه‌های داستانی، تاریخی-تخیلی و تخیلی-مذهبی است؛ اولی بافت تاریخی و افسانه‌ای دارد؛ دومی سرگذشت تخیلی معراج روح موبدی زرتشتی به جهان پس از مرگ و دیده‌های وی از دوزخ، برزخ و بهشت است.»^۲ مستشرقان بین ارداویرافنامه و کمدی الهی دانه شباهتهایی یافته‌اند و حدس زده‌اند که دانه با این اثر - که سنایی غزنوی نیز در دوران اسلامی سیر العباد الی المعاد را در همان عوالم سرود - آشنایی داشته است. شعر و سرود از دوره ساسانی چندان باقی نمانده است اما «تعداد قابل ملاحظه‌ای از آثار منثور آن دوره - به زبان پهلوی یا به صورت ترجمه عربی آنها - در دست است که آنچه از ترجمه خوتای نامک - ترجمه هزار افسان (الف لیل)، نامه تنسر، ترجمه سندبادنامه، و پاره‌یی بقایا از کتابهایی چون آیین نامک، تاج نامک و گاه نامک باقی است تصور کثرت آنها را به اهل تأمل القاء می‌کند.»^۳

-
- ۱ - ج.ت.پ. دوبروئین، «سبک‌های سنتی»، ص ۳۲، ادبیات داستانی در ایران زمین، ترجمه پیمان متین، ج اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
 - ۲ - محمود عبادیان، انواع ادبی، ج اول، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۹، ص ۱۰۵.
 - ۳ - عبدالحسین زرین کوب، پیشین، ۲۷۴-۲۷۵.

داستان در ادبیات کلاسیک فارسی

قبل از هر چیز بیان این نکته ضروری است که منظور از داستان در این بخش به هیچ روی آن نوع ادبی نیست که با دون‌کیشوت سروانتس (۱۶۰۵ میلادی) در ادب مغرب زمین و با یکی بود یکی نبود محمدعلی جمالزاده (۱۳۰۰ شمسی) در ایران رواج یافت؛ بلکه منظور روایت‌های داستانی منظوم یا منثوری است که به تعریف حوادث و رویدادهای مربوط به قهرمان یا قهرمانانی می‌پردازند و از عناصر داستان امروزی فقط عنصر روایت خطی در آنها قابل تشخیص است و نه عناصر دیگر. به عبارت دیگر «قصه به شکل امروزی آن، در دوران تاریخ نسبتاً راکد نمی‌توانست به وجود بیاید. مقصود از تاریخ راکد، تاریخی نیست که در آن هیچ‌گونه حرکتی دیده نمی‌شود، بلکه تاریخی است که در آن حرکت اجتماعی طوری که توده‌های اجتماعی برای هدفی اجتماعی، و کاملاً آگاهانه، پیاخته، مبارزه کرده، غالب و یا مغلوب شده باشند - کمتر دیده می‌شود.^۱ چنین جنبش و حرکتی تنها در اواخر دوره حکومت قاجاریه و در آستانه مشروطیت در تاریخ ایران دیده می‌شود و در این دوران است که تغییر و تحول اجتماعی و سیاسی در همه ارکان جامعه و سیاست رخ می‌دهد و شاه برای اولین بار در تاریخ ایران، حاضر می‌شود قدرت خود را که قرن‌ها عطیه‌ای الهی به شخص پادشاه تلقی می‌شد با مردم و رهبران مشروطه تقسیم کند. بنابراین منظور از ادبیات کلاسیک در اینجا، ادبیات فارسی از سالهای آغازین آن - مقارن با حکومت یعقوب لیث صفاری - تا قبل از دوران مشروطه است.

سنت داستان‌سرایی و داستان‌نویسی از سنت ادبی پیش از اسلام به ادبیات کلاسیک فارسی رسیده است. «یکی از کهنترین نمونه‌های داستانی که به نگارش درآمده‌اند و نام و نشانی از آنها بر جای مانده است و به ما رسیده است، در ادب ایرانی، هزار افسان است که از بنیادی‌ترین آبخوره‌های هزار و یک شب شمرده می‌شود؛ نیز کلیک و دمنک به زبان پهلوی ساسانی که در زمان انوشیروان از هند به

۱ - رضا براهنی، قصه‌نویسی، چ چهارم، تهران، البرز، ۱۳۶۸، ص ۲۴.

ایران آورده شد.^۱ کلیله و دمنه را ابتدا رودکی سمرقندی به نظم درآورد و بعدها در قرن هفتم قانعی طوسی آن را به نظم درآورد. از دیگر داستانهای ماقبل اسلام، داستان ویس و رامین است که فخرالدین اسعد گرگانی آن را به نظم کشید.

در اوج شکوفایی شعر کلاسیک فارسی داستانهای بسیاری به نظم درآمدند. شاهنامه فردوسی را می‌توان بزرگترین گنجینه داستانهای حماسی در ادب کلاسیک فارسی به شمار آورد. این اثر حماسی، از دوران اساطیری تاریخ ایران شروع می‌شود و پس از گذر از دوره پهلوانی، به دوره تاریخی می‌رسد و با شکست ایرانیان مقابل اعراب پایان می‌پذیرد. داستانهای بسیاری -عمّ از داستانهای پهلوانان، داستان دیوان و غیره- در شاهنامه آمده است. داستانهای عاشقانه را باید در *حمسه نظامی* و *مقلدانش سراغ گرفت*. داستانهای عارفانه یا داستانهایی که به دلایل تعلیمی و اخلاقی در خلال متون منظوم عرفانی آمده است، گنجینه دیگری از داستانهای ادب کلاسیک را تشکیل می‌دهند. این نوع استفاده از داستان برای بیان مقاصد تعلیمی از سنایی شروع می‌شود و عطار نیشابوری و جلال‌الدین محمد بلخی این راه را ادامه می‌دهند. برای اغلب اینان به هیچ روی هدف، بیان قصه نیست و با آوردن قصه سعی دارند امر اخلاقی یا دینی را به صورت تمثیلی و گاه عاطفی در جان و دل مخاطب و خواننده رسوخ دهند. از میان اینان به جرأت می‌توان گفت تنها مولوی است که هرچند می‌گوید قصه را چون پیمانه‌ای می‌داند و برایش محتوای پیمانه یا تعلیم اخلاقی حاصل از آوردن قصه مهم است؛ اما به نفس قصه‌پردازی و داستان‌سرایی نیز اهمیت می‌دهد. «مولوی، حداقل در میان شاعران عارف شاید تنها کسی باشد که داستان را نه تنها برای تبیین معانی عرفانی به کار می‌گیرد بلکه نفس داستان‌پردازی و جذّاب کردن آن نیز برای او بسیار اهمیت دارد».^۲ سعدی نیز در بوستان از بیان داستان، هدف تعلیمی دارد. اصولاً در فرهنگ اسلامی از همان آغاز، داستان‌فی‌نفسه ارزشی نداشته

۱ - میرجلال‌الدین کرّازی، *پرنیان پندار*، ج اول، تهران، روزنه، ۱۳۷۶، ص ۲۷۳-۲۷۴.

۲ - تقی پورنامداریان، *در سایه آفتاب*، ج اول، تهران، سخن، ۱۳۸۰، ص ۳۰۶.

است و صرف وقت و هزینه برای خواندن داستان و برای سرگرمی را از مقوله لهُو و لعب می‌شمرده‌اند. بنابراین امثال مولوی ناچار بوده‌اند که بگویند غرض از آوردن داستان، تعلیمی است که در ورای آن هست. «در مجموع در ادبیات مسلمانان تمایل به تقبیح قصه را در صورت عدم ارتباط آن با حقایق مسلم تاریخی و نیز احادیث برگرفته از داستانهای قرآنی، زندگی‌نامه پیامبران و قدیسین و گزارشهای افسانه‌وار از تاریخ باستانی، می‌توان دید»^۱.

داستانهای منظوم فارسی تقریباً از عناصر داستانی یکسانی تشکیل شده‌اند و ویژگیهای مشترک بسیاری در آنها می‌توان یافت. علت آن هم این بوده است که شاعران هنگام سرودن منظومه‌ها، تجربه‌های شخصی خود را - اگر تجربه ویژه‌ای داشته‌اند - در ساختار داستان وارد نمی‌کردند و متن مکتوب و منشور داستان را به نظم در می‌آوردند و غالباً هم اگر داستان قبلاً به نظم درآمده بود چاره‌ای جز تقلید از نسخه اصل نمی‌دیدند. به همین دلیل است که شاید خواندن خمسه نظامی، خواننده را از مراجعه به نظیره‌هایی که به تقلید از او در ایران و هند سروده شده است بی‌نیاز کند. علاوه بر داستانهای منظوم عاشقانه، عارفانه و حماسی می‌توان به کتب منشور ادبیات کلاسیک پرداخت که به هر شکل و به هر بهانه نوشته می‌شدند. قبل از همه کتب منشور صوفیان و عارفان قرار دارد. داستانهایی که از زندگی عرفا و مقامات و کرامات آنها روایت می‌شود گاهی شباهت بسیاری به داستان امروزی یا روایت امروزی داستان دارند. تذکره‌الاولیا عطار سرآمد همه این آثار است که در خصوص زندگی اولیا و عرفا و صوفیان است و آنگاه که نویسنده به شرح زندگی یکی از عرفا می‌پردازد در واقع با خلق یک اثر داستانی فاصله چندانی ندارد؛ مثلاً احوال منصور حلاج در تذکره‌الاولیا نمونه داستان منشور عرفانی است. یا مناقب‌العارفین افلاکی که درباره زندگی و مقامات جلال‌الدین محمد بلخی است. معارف بهاء‌ولد، پدر مولوی حتی شباهتهایی به داستان جریان سیال ذهن دارد.

۱- ج.ت.پ. دوبروئین، پیشین، ۳۰.

از منابع داستانی دیگر کتب تواریخ است. تاریخ بیهقی شامل داستانهایی است که گاه به یک داستان کوتاه امروزی شباهت پیدا می‌کند، مثل داستان بردار کردن حسنگ وزیر. کتابهای دیگری که روایت داستان در آنها دیده می‌شود کتب تعلیمی منثور فارسی است. کليلة و دمنه، مرزبان‌نامه، قابوسنامه و سیاستنامه نمونه چنین کتابهایی هستند. با توجه به اینکه کليلة و دمنه در اصل کتابی است هندی و در زمان ساسانیان به فارسی پهلوی و بعدها به فارسی دری برگردانده شده است، شیوه آوردن داستان در داستان که در میان هندیان رایج بوده است در این کتاب دیده می‌شود و به تبعیت از آن مرزبان‌نامه و کتابهای دیگر نیز از این شیوه پیروی کرده‌اند. هر چند در این کتابها نیز هدف از آوردن داستان، تثبیت نکته اخلاقی در ذهن مخاطب بوده است اما نویسندگان در حد امکان به واقع‌نمایی داستانی که می‌آوردند نیز توجه نشان می‌دادند. از آثار و داستانهای منظوم و کتب منثور داستانی که بگذریم، قصه‌ها، حکایات و داستانهای طولانی منثوری است که از قرن ششم هجری به این سو برجای مانده است و دنباله آنها به دوره قاجار می‌رسد «اسکندرنامه، بختیارنامه، ابومسلم‌نامه، دارابنامه، سمک عیار و بعدها تحریری جدید از اسکندرنامه، طوطی‌نامه، قصه چهار درویش، نوش آفرین‌نامه، امیرارسلان و غیره»^۱ از این جمله‌اند.

در ادبیات کلاسیک فارسی وقتی از قصه سخن می‌گوییم منظورمان یا حکایت است و یا مقامه. حکایت عموماً بر اثری اطلاق می‌شود که حادثه‌ای اغلب خارق‌العاده، ساختار اصلی آن را تشکیل می‌دهد و از شخصیت‌پردازی و علت و معلولی که سبب ساز خلق این حادثه شده است سخنی نمی‌رود. هدف از بیان حکایت هم اغلب تعلیم نکته‌ای اخلاقی، دینی و اجتماعی با زبان و بیان غیرمستقیم و باواسطه است. حکایات سعدی در گلستان که کتابی تعلیمی است از این دست است. سعدی قصد تعلیم دارد اما به قول خودش «داروی تلخ نصیحت به شهد ظرافت برآمخته تا طبع ملول ایشان [= مخاطبان] از دولت قبول محروم نماند».^۲ اگر

۱ - یحیی آدین‌پور، از نیما تا روزگار ما، چ اول، تهران، زوار، ۱۳۷۴، ص ۲۲۳.

۲ - سعدی شیرازی، گلستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، چ سوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳، ص ۱۹۱.

حکایت برای تعلیم است پس زبان آن طبیعتاً باید ساده و به دور از صنایع بدیعی لفظی و معنوی باشد. حکایات سعدی و مقلدانش نظیر جامی در بهارستان چنین است. اصطلاح دیگر مقامه است «مقامه واژه‌ای عربی است، به فتح اول و چهارم، در لغت به معنی مجلس، خطبه، شرح داستان، بیان سرگذشت، مقاله‌ای ادبی که به نثر فنی سرشار از صنایع بدیعی و توأم با اشعار و امثال آورده شود»^۱ از نمونه‌های مقامه‌نویسی در زبان فارسی، مقامات حمیدی نوشته قاضی حمیدالدین بلخی از نویسندگان قرن ششم را می‌توان نام برد.

از حکایت و مقامه که بگذریم با نوع سوم نوشته‌های تخیلی منشور روبرو می‌شویم که می‌توانیم با عنوان قصه‌های بلند عامیانه از آنها یاد کنیم. بهترین نمونه و البته قدیم‌ترین نمونه داستانهای بلند عامیانه، از نظر بسیاری از منتقدان سمک عیار است که داستان دلاوریهای سمک عیار از جوانمردان معروف فارس است و در اواخر قرن ششم تحریر شده است. *داراب‌نامه* بیغمی نیز از الگوی این کتاب بهره برده است.^۲ *اسکندرنامه*، *رموز حمزه*، *ابومسلم‌نامه*، *حسین کرد شبستری*، *بختیارنامه*، *سندبادنامه* (که اصل آن هندی است)، *طوطی‌نامه*، *امیر ارسلان نامدار* و غیره، نمونه‌های دیگری از قصه‌های بلند عامیانه فارسی هستند.^۳

به مانند منظومه‌های داستانی فارسی که شباهتهای بسیاری به هم دارند و ویژگیهای مشترک بسیاری در آنها قابل ذکر است، داستانهای بلند عامیانه نیز از نظر مضمون و شکل روایت تفاوتهای چندانی با همدیگر ندارند. نویسندگان این داستانها یا قصه‌های بلند عامیانه هم در بسیاری مواقع از روی دست همدیگر می‌نوشتند و بیشتر این قصه‌های عامیانه از سمک عیار، اثر فرامرزبن خداداد ارجانی که ظاهراً قدیم‌ترین نمونه این نوع ادبی است، بسیار بهره برده‌اند. برخی ویژگیهای تقریباً مشترک این قصه‌ها عبارتند از: ۱- خرق عادت؛ ۲- پیرنگ ضعیف؛ ۳- مطلق‌گرایی؛

۱- سیما داد، فرهنگ اصطلاحات ادبی، ج دوم، تهران، مروارید، ۱۳۷۵، ص ۲۷۶.

۲- جمال میرصادقی، ادبیات داستانی، ج سوم، تهران، سخن، ۱۳۷۶، ص ۱۰۷.

۳- برای مطالعه بیشتر درباره قصه‌های عامیانه فارسی ر.ک. جمال میرصادقی، پیشین، ۱۰۰-۱۳۲.

۴- کلی‌گرایی و نمونه کلی؛ ۵- ایستایی؛ ۶- زمان و مکان فرضی؛ ۷- همسانی
قهرمانها در سخن گفتن؛ ۸- نقش سرنوشت؛ ۹- شگفت‌آوری؛ ۱۰- استقلال‌یافتگی
حوادث؛ ۱۱- کهنگی.^۱

یکی از کتابهای بسیار مهمی که هنگام بحث از پیشینه ادبیات داستانی باید به آن
پرداخت کتاب هزار و یک شب است که «در حقیقت دایره‌المعارف جامعه‌شناسی
اسلام است و در آن مطالب گوناگون بسیار می‌توان یافت. اصل کتاب هندی و ایرانی
است و نخست از زبان پهلوی به عربی ترجمه شده و سپس قصه‌های دیگر دارای
ریشه‌های عربی و مصری و یهودی و ایرانی بدان افزوده شده و به صورت فعلی
درآمده است».^۲

هزار و یک شب تصویری از شرق و جهان اسلام نشان می‌دهد که بسیار گرا و
افسانه‌ای است و به همین دلیل علاوه بر شهرت و محبوبیت در میان ایرانیان و اعراب،
در میان غربیان نیز شهرت بسیاری کسب کرد و تأثیر بسیاری بر ادبیات غرب
گذاشت. «هزار و یک شب که تصویر خیال‌انگیز و افسانه‌ای شرق را به مردم مغرب-
زمین ارائه داده تأثیر گسترده‌ای بر چندین قرن ادبیات داستانی اروپایی داشته است.
شهرت یا جاذبه هزار و یک شب باعث شد که به خصوص پس از تسلط ترکان
عثمانی بر شرق اروپا، اهتمام به ترجمه متون شرقی، به ویژه قصه‌ها، در آن قاره گستره
بیشتری یابد و به تدریج گونه‌ای داستان‌نویسی، زیر نفوذ ادبیات هزار و یک شب در
مغرب زمین پدید آید».^۳ همچنین قصه‌های دکامرون اثر بوکاجیو و قصه‌های
کانتربروری نوشته چاسر و افسانه‌های تمثیلی لافونتن، از قصه‌های هزار و یک شب و
کلیله و دمنه و حکایت‌های گلستان سعدی تأثیر پذیرفته‌اند.^۴ پریستلی، دنیای پرهیاهو

۱- همان، ۶۱-۷۳.

۲- محمدجعفر محبوب، *ادبیات عامیانه‌ی ایران*، جلد اول، به کوشش حسن ذوالفقاری، چ اول،
تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۲، ص ۷۲.

۳- محمدعلی سپانلو، *قصه قدیم*، چ اول، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸، ص ۷.

۴- جمال میرصادقی، *داستان و ادبیات*، چ اول، تهران، آیه مهر، ۱۳۸۳، ص ۴۴-۴۵.

و رنگارنگ و مرموز داستانهای بالزاک را، عاریت گرفته شده از دنیای هزار و یک شب دانسته است^۱ و گیلبرت هایت الگوی بوکاجیو در قصه‌های دکامرون را - نه رساله مهمانی افلاطون بلکه - قصه‌های شرق نزدیک می‌داند «که مهد هزاران لطیفه و ساعات پایان‌ناپذیر فراغت است، سرزمین کاروانسراهای بی‌شمار و کاروانهای بی‌انتهاست»^۲. ا.ج. آر. گیب هم معتقد است: «این اثر درست همان سرنخی را به دست داد که نویسندگان ادبیات عامه در جست‌وجوی آن بودند و اگر هزارویک شب نبود، نه رویینسون کروزوئه‌ای بود و نه نیز سفرهای گالیوری»^۳. میرصادقی از تأثیر هزارویک شب بر ادب اروپایی فراتر رفته است و بر آن است که «شکل رمانس، تحت تأثیر قصه‌های هزار و یک شب به وجود آمد و در قرن دوازدهم در فرانسه رونق گرفت و از این کشور به کشورهای دیگر غربی نیز راه یافت»^۴.

غرض از بیان اهمیت قصه‌های شرقی، خصوصاً هزار و یک شب، تبیین این نکته است که رمان و داستان کوتاه به شکل امروزی، تا حدی نیز وامدار داستانها و قصه‌های عامیانه فارسی و به طور کلی شرقی است و این نکته‌ای است که غریبان نیز به آن وقوف و اقرار دارند؛ هر چند باید اذعان کرد که دنیایی که رمان امروز غرب کشف و آشکار می‌کند چندان تشابه و مناسبتی با دنیای قصه‌های عامیانه شرقی که ذهن اسطوره‌ای، مطلق‌نگر و تقدیرگرای نقالان و قصه پردازان، آفریننده آن است، ندارد و بیشتر از نظر شکل و فرم از آن تأثیر پذیرفته است تا از لحاظ جهان‌بینی و محتوا.

۱ - جی.بی. پریستلی، سیری در ادبیات غرب، ابراهیم یونسی، چ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲، ص ۱۸۷.

۲ - گیلبرت هایت، ادبیات و سنتهای کلاسیک، محمد کلباسی و مهین دانشور، جلد ۱، چ اول، تهران، آگاه، ۱۳۷۶، ص ۱۷۴.

۳ - ا.ج. آر. گیب، «ادبیات جهان اسلام و ایران و اثرپذیری اروپا از آن»، علی محمد حق‌شناس، ص ۱۴۱، زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته، چ اول، تهران، آگاه، ۱۳۸۲.

۴ - جمال میرصادقی، ادبیات داستانی، پیشین، ۳۹۵.

اما از نظر اجتماعی تأثیر قصه‌های عامیانه محدود به پرورش خصال جوانمردانه و اعمال متهوّرانه در مخاطبان بوده است و در سطح گسترده تأثیری بر مردمی که در محیط و تاریخ و اجتماعی بسته می‌زیسته‌اند، نداشته است. «دورنمای اجتماعی این قصه‌ها کمرنگ و تحلیل انگیزه‌های اشخاص در کردارشان ضعیف بود.»^۱ گویا نویسندگان این قصه‌ها نیز ارزش چندانی برای کار خود قائل نبوده‌اند و «شاید نوعی خودکم‌بینی در نویسندگان و آفرینندگان هنری ما بوده است که کار خویش را شایسته ماندگاری و جاودانگی ندیده‌اند و امروز نویسنده بسیاری از قصه‌های تخیلی و رمانهای پهلوانی ما شناخته نیست.»^۲

در آستانه مشروطه، رمانها یا رمانواره‌های کسانی چون طالبوف تبریزی، زین‌العابدین مراغه‌ای، فتحعلی آخوندزاده و مقالات طنز علی‌اکبر دهخدا، با نام چرند و پرند، باعث تحول اجتماعی گسترده و تسریع روند مشروطه‌خواهی ایرانیان شد که به این مسأله به صورت مشروح در بخشهای بعدی همین فصل پرداخته خواهد شد.

پیش از پایان این بحث، اشاره‌ای به تأثیر ادبیات هندی بر سیر داستان‌سرایی و نقالی در دوره صفوی ضروری است. «بر اساس گزارشهای سنتی، عمده ورود داستانهای هندی به ایران در قرن ششم میلادی و در دربار شاه ساسانی، خسرو انوشیروان (دوره حکومت: ۵۹۰-۶۲۸ م.)، رخ داده است.»^۳ دوره بعدی، همزمان با دوران صفوی و ارتباط گسترده ایرانیان و هندیان در عرصه شاعری و نویسندگی بود. عامل اصلی این گرایش به هند، سیاستهای فرهنگی صفویان در ردّ قصیده‌سرایی مدحی و شاعرپروری درباری بود؛ به صورتی که شاعران ایران راه هند را در پیش گرفتند و سبک شعر هندی را بنیان گذاشتند و به صله‌هایی گران‌قیمت نیز دست یافتند. «شاید یگانه مزیت نثرنویسی در دوران صفوی انتشار شماری کتاب داستانی

۱ - عبدالعلی دستغیب، به سوی داستان نویسی بومی، ج اول، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۶، ص ۲۹.

۲ - محمد استعلامی، ادبیات دوره بیداری و معاصر، ج اول، تهران، انتشارات دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران، ۲۵۳۵، ص ۱۶۶.

۳ - ج.ت.پ. دوپروئین، «سبک‌های سنتی»، پیشین، ۳۳.

بود: از جمله چهار اثر که از سانسکریت و لهجه‌های محلی هندی به فارسی برگردانده شدند: *رزم‌نامه*، *راماین*، *مهابهاراتا* و *سوکه شیتاتی*.^۱ در دوره صفویه، پایتخت زیبای ایران، اصفهان، تبدیل به شهری نیمه‌اروپایی شده بود با کاخهای مجلل شاهان صفوی و قهوه‌خانه‌هایی که محل دیدار و شعرخوانی شاعران و داستان‌گویی نقالان شده بود. «قهوه‌خانه جایی را برای قصه‌گو فراهم می‌آورد تا بتواند به طور منظم در آنجا حضور یافته و کم و بیش مخاطبین ثابت برای خود دست و پا کند... بسیاری از نقالان در دوره صفویه در یک داستان مفصل و خاصّ تبحر یافته، به «شاهنامه-خوان»، «امیر حمزه‌خوان» و نظایر این، شهره گردیدند».^۲

چگونگی شکل‌گیری رمان فارسی

نظریه‌پردازان ادبی معتقدند ادبیات و فرهنگ مقولاتی هستند که روند شکل‌گیری و رشد و تکاملشان به رشد و تکامل عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وابسته است و در بررسی و ارزیابی ادبیات یک جامعه، نباید از تغییر و تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن جامعه غافل شد. هر جامعه‌ای از نهادها و بخشهای گوناگونی تشکیل می‌شود که کارکرد آن نهادهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در همدیگر تأثیر می‌گذارد و هر تحولی در یکی از این نهادها، در نهادهای دیگر نیز تحولاتی به وجود می‌آورد. بنابراین تحولات اقتصادی و سیاسی، باعث ایجاد نگرشها و دیدگاههای جدید در بخشهای فرهنگی و ادبی می‌شود. «اثر ادبی بیش از هر چیز در سنت زبانی و ادبی جای می‌گیرد، و سنت نیز به نوبه خود محاط در «اقلیم» فرهنگ عمومی است و با اوضاع عینی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ارتباطش باواسطه‌تر است. البته تمام قلمروهای فعالیت بشری با یکدیگر در ارتباطند. در نهایت امر می‌توان بین وجوه تولید و ادبیات نوعی ارتباط برقرار کرد».^۳

۱ - حسن کامشاد، *پایه‌گذاران نثر جدید فارسی*، چ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴، ص ۲۵.

۲ - ویلیام هاناوی، «داستان‌سرایی»، ص ۱۵۲، *ادبیات داستانی در ایران زمین*، ترجمه پیمان متین، چ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.

۳ - رنه ولک و آوستین وارن، *نظریه ادبیات*، ضیاء موحد و پرویز مهاجر، چ اول، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۳.

در نقد آثار ادبی به ارتباط بین خالق آن آثار با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، توجه کامل باید داشت؛ چون «نویسندگان در خلاء فکری به نویسندگی نمی‌پردازند. حتی آنان که در انزوای شخصی به این کار مشغولند، تحت تأثیر کل عقاید سیاسی، اقتصادی، فلسفی و مذهبی دنیایی که در آن تولد و رشد یافته‌اند، قرار می‌گیرند و آثار ادبی ایشان بازتاب چنین تأثیری است... اثر هنری آینه زندگی و جزء لاینفک زمینه اجتماعی است که آفرینش اثر را عهده دار است. زمان و مکان خاص به نحوی پایدار بر هنرمند، و بالطبع بر حاصل تخیلات او تأثیری مشخص و ماندنی می‌گذارد».^۱ بنابراین برای بررسی چگونگی شکل‌گیری رمان فارسی، باید به مقدمات و شرایطی پردازیم که از نظر فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی، زمینه‌ساز شکل‌گیری رمان فارسی شدند و نوع ادبی جدیدی را به وجود آوردند.

تحولات اجتماعی-سیاسی عصر قاجار

آغامحمدخان با غلبه بر لطفعلی‌خان زند، آخرین پادشاه زند و کور کردن و کشتن او در سال ۱۲۰۹ هـ.ق، به تهران آمد و در سال ۱۲۱۰ هـ.ق در این شهر تاجگذاری کرد و از آن پس تهران پایتخت ایران شد. در زمانی که ایران درگیر جنگهای داخلی و آشوبهای قومی بود، اروپاییان در پی تحولات عظیم پس از رنسانس به عصر انقلاب صنعتی رسیده بودند و در پی دست‌اندازی به بازارهای مصرف غیراروپایی بودند تا ضمن غارت منابع دیگر کشورها، محصولات خود را بر آنها عرضه کنند. کمپانی هند شرقی نمونه چنین بازاریابی وسیعی در یک کشور غیراروپایی بود. «آغاز حکومت قاجار در ایران مقارن است با رشد روزافزون صنایع در کشورهای غربی و گسترش تحولات پیچیده سرمایه‌داری در غرب. بورژوازی جدید به واسطه افزایش تولید کالاهای صنعتی، از سویی برای صدور کالا و به دست

۱- والترکی. گوردن، «درآمدی بر نقد ادبی از دیدگاه جامعه‌شناختی»، جلال سخنور، ادبستان، ش ۱۱، سال دوم (۱۳۷۰)، ص ۳۷-۴۰.